با اندکی احساس ۲۴

مثل کودکی در مدرسه جدیدش .. ۲۴

پسر باد نابود شد ۲۵

سه لژیونر زیر بار اتهام نمی‌روند .. ۲۶

گفت‌وگو با محمد خاکپور

کار کردن با مایلی کهن حاشیه ندارد

علی خماند

از دوقلوهای قدیمی فوتبال ایران، زمانی محمد خاکپور و حمید استیلی جزء مشهورترین‌ها بودند. چندسالی در کنار هم در تیم‌های مختلف بازی کردند و بعد به خاطر مسائل نامعلومی از هم فاصله گرفتند. استیلی حالا در مربیگری تجربه دوساله را هم پشت سر گذاشته و خاکپور هم این فصل را به عنوان کمک‌مربی فولاد پیش رو خواهد داشت. این هم از جذابیت‌های فوتبال است که روزی دو قلوها روبه‌روی هم بایستند.

خاکپور آمریکا را رها کرده و فعلاً به ایران آمده و می‌شود حدس زد که حرف‌های شنیدنی و قابل توجهی دارد.

■آقای خاکپور، چقدر بی‌سروصدا، اصلاً چه شد که به ایران آمدید؟

چراغ خاموش آمدم... من چندین سال در آمریکا کار کردم اما احساس می‌کردم باید در سطح بالاتری کار کنم. فکر کردم حالا موقعیتش به وجود آمده است و می‌توانم تجربیاتم را در اختیار بازیکنان دیگر بگذارم و خودم هم تجربه بیشتری کسب کنم. از آقای مایلی کهن شناخت خوبی داشتم و از قبل صداقت و شفافیت ایشان برایم مشخص شده بود. وقتی این پیشنهاد را ارائه کردند خیلی راحت پذیرفتم...

■از فوتبال ایران شناختی دارید؟

آنقدر هم بی‌اطلاع نیستم ضمن اینکه می‌دانم کار سختی در پیش دارم اما هیچ‌وقت از کارهای سخت فرار نکرده‌ام.

■فکر کار در ایران از کی به ذهن شما خطور کرد؟

می‌توانم بگویم از سفر قبلی که به ایران داشتم علاقه‌مند به کار در ایران شدم. اتفاقاتی رخ داد که انگیزه‌ام را برای کار در ایران زیاد کرد.

■می‌توانم بپرسم چه اتفاقاتی؟

بله، بازی‌های چند تیم را از نزدیک دیدم و نوع کار آنها را با دقت زیر نظر گرفتم و پیش خودم فکر کردم که شاید بتوانم کار جدیدتری را ارائه کنم.

■اما چرا فولاد خوزستان؟

گفتم که... به خاطر محمد مایلی کهن.

■شناختی از این تیم دارید؟

این تیم را از دور دنبال می‌کردم، فصل گذشته بازی‌های خود را در جام باشگاه‌های آسیا دیدم و این را هم می‌دانم که فصل گذشته این تیم بحران زیادی داشت. البته از جهات دیگر هم کار برای ما سخت است چون ۵۰ درصد بازیکنان کلیدی این تیم جدا شده‌اند. اما ما برای کار کردن آمده‌ایم و می‌خواهیم دوباره بسازیم... کار محمد مایلی کهن هم همین است. ساختن.

گذشته از این حرف‌ها به عقیده من می‌توان بهتر کار کرد چون استعداد در خوزستان بسیار زیاد است.

■ظاهراً مشغول بدنسازی هستید.

بله، روز گذشته تست گرفتیم. شرایط چندان هم بد نیست.

■کار خاکپور در فولاد چیست؟

من دستیار آقای مایلی کهن هستم و هر خدمتی بتوانم به باشگاه فولاد خواهم کرد.

■شما فقط یک فصل قصد کار کردن در ایران را دارید یا اینکه...؟

آمده‌ام شروع کنم... مهم نیست چند سال بمانم، مهم این است که مفید باشم. فعلاً شروع کارم است. اگر مفید باشم می‌مانم وگرنه...

■قطعاً مفید هستید.

اجازه بدهید کارم مشخص کند.

■تقریباً تمام هم‌نسل‌های شما مربی شده‌اند، شروع آنها چقدر شما را ترغیب کرد تا شما هم آغاز کنید؟

من خیلی وقت است که کار مربیگری را آغاز کردم. تمام زندگی ما همیشه فوتبال بوده و همه به یک شکل به فوتبال وابسته هستیم. شخصاً با مربیان بزرگی کار کرده‌ام و اگر از هر کدام یک کمی آموخته باشم می‌توانم به جوان‌ترها انتقال دهم و چه بهتر که به جوانان مملکت خودم این تجربیات منتقل شود.

■فضای کار چطور بوده است؟

ما کار را تازه شروع کرده‌ایم. شاید سه چهار روز. اما کار کردن در کنار مایلی کهن هیچ وقت حاشیه ندارد.

■شروع کار سخت بود؟

به هر جهت همیشه کار سخت است و ما هم که می‌خواهیم بحران را از بین ببریم.

■شما در آمریکا باشگاه دارید و برای تاسیس باشگاه MK Sport زحمت زیادی کشیده‌اید اما به یک‌باره همه آنها را گذاشتید و برگشتید.

به هر حال تصمیمی است که گرفته‌ام... باشگاه هم کار خود را ادامه می‌دهد. من شش دستیار داشتم که مسئولیت اداره به عهده آنها است و یک نفر را هم به جای خودم در مدیریت باشگاه قرار داده‌ام.

■چه تفاوتی بین آن زمانی که شما بازی می‌کردید و روزگار فعلی فوتبال ایران صورت گرفته است؟

خیلی تفاوت کرده، به جرات می‌توانم بگویم که این فوتبال اصلاً آن فوتبالی نیست که ما بازی می‌کردیم. از همه جهت فرق کرده است. مهم‌ترین تفاوت در فوتبال ایران این است که پول در فوتبال زیاد شده است.

■آمدن پول به فوتبال خوب است یا بد؟

درست از آن استفاده نمی‌شود. دستمزد بازیکنان بسیار بالا است، البته این موضوع اشکالی ندارد اما تناسب درستی برقرار نیست. علاوه بر این باید کار اصولی و سازماندهی در باشگاه‌ها باشد. هر باشگاهی باید استادیوم و شرایط مناسب تمرینی داشته باشد و سپس دستمزدهای بازیکنان خود را بالا ببرد. بازیکنان وقتی پول حرفه‌ای می‌گیرند باید کار حرفه‌ای هم انجام دهند. آنها باید تمام‌وقت در اختیار باشگاه‌ها باشند اما عملاً در فوتبال ایران این طور نیست و فقط از نظر مالی حرفه‌ای شده‌ایم.

■و تفاوت‌های دیگر؟

توجه بیش از حد به فوتبال. در زمان ما این طور نبود. روی کیوسک روزنامه‌فروشی‌ها ۱۵ روزنامه از فوتبال می‌نویسند. فوتبال در ایران بیش از حد بزرگ شده است و حساسیت بیش از حدی به وجود آمده.

■این حساسیت خوب است یا بد؟

باید ببینیم که ظرفیت جامعه چقدر است. به دلیل همین حساسیت بیش از حد با یک شکست همه جامعه فوتبال را طرد می‌کنند و با یک برد هم همه‌چیز فراموش می‌شود. البته خاصیت فوتبال همین است اما در ایران احساس می‌کنم بیشتر از سایر کشورها روی فوتبال حساسیت وجود دارد.

■فولاد امکانات مناسبی دارد؟

بله، این تیم حرفه‌ای است. بازیکن‌سازی و تولید، این یعنی باشگاه‌داری. امکانات فولاد حرفه‌ای است.

■فوتبال ایران به سمت مربی ایرانی برگشته است. این حرکت ما به سمت مربی ایرانی خوب است یا نه؟

مربی ایرانی با توجه به اینکه به نوع فرهنگ ما آشنا است قابلیت‌های زیادی می‌تواند داشته باشد. در کنار این پوئن مثبت سطح علمی مهم است. نباید به کارهایی که بلد هستیم بسنده کنیم. چون فوتبال یک علم است و کافی است یک روز عقب بمانی، دیگر به روز نیستی!

■دو سه روز است که کار می‌کنید، استعدادهای ایرانی را چطور می‌بینید؟

حقیقت را بگویم که بسیار بااستعداد هستند. پتانسیل بسیار خوبی در خوزستان است. خوزستان خطه فوتبال‌خیز ایران است و کمی با آنها کار شود بازیکنان بزرگی می‌شوند.

■روزی که وسایل خود را برای آمدن به ایران آماده می‌کردید از تصمیم خود کاملاً راضی بودید؟

راستش را بخواهید دلشوره داشتم، خانواده‌ام هم همراهم نبودند... تصمیم سختی بود اما در نهایت احساس خوشحالی پیدا کردم.

■یعنی راضی هستید؟

بله... چرا نباشم.

■در آن روزهایی که امیر قلعه‌نویی کادر خود را انتخاب می‌کرد نام خاکپور هم مطرح شد. دوست داشتید مربی تیم ملی شوید؟

هیچ‌وقت این حرف را نشنیدم. به هر جهت هر کس در فوتبال باشد دوست دارد به نوعی دین خود را به کشورش ادا کند. اما مهم خدمت است فرق نمی‌کند در باشگاه باشد یا در تیم ملی.

■قلعه‌نویی در راس کادر فنی تیم ملی است، نظرتان چیست؟

امیر قلعه‌نویی از مربیان جوان و قابل قبول ایران است و امیدوارم بتواند موفق شود.

■نظرتان در مورد جام جهانی ۲۰۰۶ چیست؟

برایم نسبت به جام‌های دیگر تفاوت داشت. شاید به خاطر اینکه ایران زودتر از حد تصورم حذف شد... وقتی ایران حذف شد به کلی دلسرد شدم.

از آن گذشته جام جهانی ۲۰۰۶ جذابیت جام‌های قبلی را نداشت.

■می‌توانید مثال بیاورید؟

تیم‌ها خیلی محتاط بازی می‌کردند... برزیل جذابیت جام جهانی است اما خیلی زودتر حذف شد. دفاعی بازی کردن تیم‌ها هم از جذابیت جام کم کرده.

■نظرتان در مورد ایران؟

متاسفانه پیش از جام جهانی مشخص بود که تیم نتیجه نخواهد گرفت. تیم ملی کار خاصی برای موفقیت در جام جهانی انجام نداد. از بازی‌های تدارکاتی یا اردویی خاص خبری نبود. تیم خودش را برای بالاترین سطح فوتبال آماده نکرده بود و نتیجه را هم دیدید.

■مقصر چه کسی بود؟

دنبال مقصر نباشید، دنبال علت باشید. مقصر تمام مجموعه بود. به هر جهت تیم آماده تورنمنتی در سطح جام جهانی نشده بود و کار اساسی برای تیم نکردند.

■یادتان هست در مصاحبه‌ای که پنج شش ماه پیش انجام دادید گفتید دایی و یحیی به درد جام جهانی نمی‌خورند؟

پنج شش ماه پیش من یک سئوال مطرح کردم که آیا آنها می‌توانند به تیم ملی کمک کنند؟ من برای آنها تصمیم نگرفتم و فقط این سئوال را از آنها داشتم. به هر حال همه چیز تمام شده است و نباید تمام تقصیرها را به گردن دایی یا یحیی انداخت. دایی برای ایران افتخارات زیادی آورده است. ما همیشه یا منفی هستیم یا مثبت. باید عدالت را رعایت کرد. دایی افتخار فوتبال است و این رفتارها مناسب او نیست.

■دایی در جام جهانی مقصر بود؟

نمی‌توانیم بگوییم مقصر بود چون کادر فنی او را در ترکیب قرار می‌داد.

بازیکنی که در ارنج قرار می‌گیرد مسئولیتش بر عهده مربی است.

■این همه انتقاد به دایی وارد است؟

نه، به هر جهت او زحمت بسیاری برای فوتبال ایران کشیده است.

■ولی شما این هشدار را به او داده بودید و البته به جوسازی هم متهم شدید.

ما همیشه متهم هستیم. من احساس کردم می‌توانم این سئوال را مطرح کنم اما هر کسی خودش برای زندگی‌اش تصمیم می‌گیرد.

■کدام بازی ایران در جام جهانی نمایش بهتری داشت؟

نیمه اول بازی با مکزیک.

■چرا؟

به هر جهت تیم باانگیزه بود و فوتبال قابل قبولی بازی کرد اما در نیمه دوم تیم از نظر بدنی تحلیل رفت.

■ضعف تیم را می‌گویید؟

بله بزرگ‌ترین مشکل تیم ایران ضعف بدنی بازیکنان بود... آنها آماده نبودند.

■دفاع تیم چطور بود؟

در مورد جام جهانی در دو ماه گذشته آن قدر کارشناسان مختلف حرف زده‌اند که حرف‌های من تکرار می‌شود... لازم نیست برگردید به پشت سر نگاه کنید... آینده پیش روی ماست. به آن فکر کنیم.

■اما حرف‌های شما هم جذابیت‌های خودش را دارد. مردم دوست دارند بدانند محمد خاکپور چه می‌گوید.

به عقیده من امروز در فوتبال خط نداریم. کار تیمی ما ضعیف است. اگر دفاع تیم ملی در جام جهانی ۹۸ خوب بود به خاطر کار تیمی بود. در این بازی‌ها دفاع نکردیم و فاصله‌ها بین خطوط و بازیکنان زیاد بود.

نکته

۱- من چندین سال در آمریکا کار کردم اما احساس می‌کردم باید در سطح بالاتری کار کنم. فکر کردم حالا موقعیتش به وجود آمده است و می‌توانم تجربیاتم را در اختیار بازیکنان دیگر بگذارم و خودم هم تجربه بیشتری کسب کنم. از آقای مایلی کهن شناخت خوبی داشتم و از قبل صداقت و شفافیت ایشان برایم مشخص شده بود. وقتی این پیشنهاد را ارائه کردند خیلی راحت پذیرفتم...

۲- بازی‌های چند تیم را از نزدیک دیدم و نوع کار آنها را با دقت زیر نظر گرفتم و پیش خودم فکر کردم که شاید بتوانم کار جدیدتری را ارائه کنم.

نکته

۱- بازیکنان وقتی پول حرفه‌ای می‌گیرند باید کار حرفه‌ای هم انجام دهند. آنها باید تمام‌وقت در اختیار باشگاه‌ها باشند اما عملاً در فوتبال ایران این‌طور نیست.

۲- متاسفانه پیش از جام جهانی مشخص بود که تیم نتیجه نخواهد گرفت. تیم ملی کار خاصی برای موفقیت در جام جهانی انجام نداد. از بازی‌های تدارکاتی یا اردویی خاص خبری نبود. تیم خودش را برای بالاترین سطح فوتبال آماده نکرده بود.

۳- دنبال مقصر نباشید، دنبال علت باشید. مقصر تمام مجموعه بود. به هر جهت تیم آماده تورنمنتی در سطح جام جهانی نشده بود و کار اساسی برای تیم نکردند.

دقیقه صفر

وداع با جولای خاطره‌انگیز

مانی راهبر

دو روز قبل ماه جولای با همه فراز و نشیب‌هایش به پایان رسید، ماهی که بی‌تردید مهم‌ترین اتفاقات ورزشی سال ۲۰۰۶ را به دنیا آورد. در جولای ۲۰۰۶ بود که میلیون‌ها نفر از مردم دنیا در فضای ورزش نفس کشیدند و با هم شادی کردند و در آغوش هم گریستند. جولای ماه احساسات مشترک بشر از هر جنس و نژاد و رنگ بود و البته ماهی که سرشار از تغییر و تحولات در عالم ورزش تلقی می‌شد. زمان گونه به گونه شدن و رشد کردن و یا فروافتادن.

در گرم‌ترین روزهای سال بود که جام جهانی ۲۰۰۶ با همه زیبایی‌هایش به پایان رسید، نیمه دوم جام درست در جولای رخ داد. همان روزهایی که آرژانتین بازی را به آلمان باخت، برزیل در پایان بازی مقابل فرانسه اشک ریخت و انگلستان باز هم به فیل بزرگ بازنده شد. اما نه، این همه ماجرا نبود. آلمان هم خود در گردابی افتاد که پیش از این برای آرژانتین ساخته بود و البته سرانجام کار یعنی فینال بازی‌ها که سرشار از اتفاقات عجیب و غریب و یگانه بود. در هجدهمین روز جولای بود که کار فرانسه و ایتالیا به پنالتی کشید و نهایتاً آتزوری‌ها جام را بالای سر بردند. نیم ساعتی قبل از آن هم دنیا با یکی از بزرگ‌ترین ستاره‌های تاریخ فوتبال وداع کرد.

زیدان با سر به سینه ماتراتزی کوبید و با غرور از جلوی جام جهانی طلایی‌رنگ و وسوسه‌انگیز عبور کرد و در تاریکی راهرو از نظرها محو شد. از خداحافظی زیدان خیلی نگذشته بود که چندتای دیگر از ستاره‌ها هم خداحافظی کردند: فیگو، تورام، کارلوس، کافو، لارسن و...

بعد از پایان جام هم چندتایی از مربیان از تیم تحت هدایتشان خداحافظی کردند و رفتند که فصل دیگری از زندگی‌شان را آغاز کنند. خداحافظی در اوج، مرام چندتایی مثل لیپی و کلینزمن بود و در مقابل بودند کسانی که با حقارت نیمکت‌ها را بدرود گفتند مثل اریکسون، کارلوس آلبرتو پریرا و پیرمرد فوتبال یعنی ماریو زاگالو.

فوتبال سوژه غالب ماه جولای بود اما بودند دیگر اتفاقاتی که اگر زیر سایه جام جهانی نمی‌ماندند کلی سروصدا به راه می‌انداختند. مسابقات تنیس اوپن فرانسه پیش از جولای به پایان رسید و در فینال نادال بر فدرر غلبه کرد اما در جولای و در فینال ویمبلدون بود که فدرر جبران مافات کرد.

در همین ماه بود که مسابقات مشهور دوچرخه‌سواری توردو فرانس هم به پایان رسید و در پایانش فلوید لندیس آمریکایی تاج قهرمانی را بر سر

گذاشت. اما چه پوشالی بود قهرمان ماه جولای آمریکا. چند روز بعد رسوایی استفاده از مواد نیروزا توسط لندیس به سراسر دنیا مخابره شد و دوچرخه‌سوار را به زمین سفت کوبید. لندیس جانشین شایسته‌ای برای لنس آرمسترانگ افسانه‌ای نبود که پیش از این گفته می‌شد قرار است در توردو فرانس ۲۰۰۶ رکاب بزند.

در آخرین روزها هم یکی دیگر از ستاره‌های آمریکایی از آسمان فروافتاد. جاستین گاتلین سیاه گریزپای آمریکایی و دارنده رکورد ۱۰۰ متر جهان هم به سرنوشت لندیس دچار شد و حالا در آستانه محرومیت مادام‌العمر قرار گرفته است. خدا می‌داند که چقدر از پوسترهای گاتلین در سراسر دنیا در این چندروزه از دیوار آرزوهای کودکان پائین آمده است.

و اما ماه جولای در ورزش ایران هم ماه سرنوشت‌سازی بود. ماه ظهور مجدد داریوش مصطفوی در فدراسیون فوتبال و بازگشت مربیان ایرانی به نیمکت تیم ملی، آن هم به هیئت و هیبت امیر قلعه‌نویی. هنوز پیامد اتفاقات ماه جولای بر جامعه ورزش ایران چندان آشکار نیست. اساساً ورزش ایران در این ماه چندان فراز و نشیبی نداشت، اما تحولات زیرپوستی این ماه به زودی خود را به همه نشان خواهد داد. اینکه جولای ماه خوش یمنی برای ورزش ایران بوده یا نه هنوز مشخص نیست، اما برای ورزش جهان و علی‌الخصوص دنیای فوتبال که ماه خاطره‌انگیزی بود.

بدرود جولای دوست‌داشتنی، بدرود.